حوالی برج میلاد

### یادداشت‌های روزانه تماشاگر ردیف وسط

## معجزه جشنواره!

مهرداد حجتی

● معرفی: من تماشاگر ردیف وسط کاخ جشنواره فیلم فجرم که قرار است هر روز در همین ستون یادداشت‌هایم را بخوانید. نمی‌دانم همین کافی است؟ خب، اگر نیست چندان اشکالی ندارد، چون چیزی را از دست نداده‌اید. یادداشت‌ها قرار نیست چیز دندان‌گیری باشند که اگر بود باز هم چیزی را از دست نداده بودید. در هر شرایط شما چیزی را از دست نداده‌اید. حرف‌ها برایتان آشنا خواهند بود، با این تفاوت که تکراری نیستند. برای نمونه می‌توانید اولین آنها را بچشید؛ اگر مزه کرد، ادامه دهید. بسم‌الله، بفرمایید:

یادداشت یکم: باز هم برج میلاد و باز هم سالن همایش‌ها که در ایام جشنواره به یکباره می‌شود کاخ! کاخ جشنواره! همه را قرار است در یک مکان و زیر یک سقف جمع کنند تا با هم فیلم ببینند. هم تهیه‌کننده، هم کارگردان، هم بازیگر و هم منتقد و خبرنگار. بعد هم بناست بعد از سپری‌شدن ۱۰ روز همه با هم خداحافظی کنند و بروند سی خودشان تا سال بعد. همیشه همین‌طور بوده. لااقل در این چند سال این‌طور بوده. تا اینجایش هم که خیلی خوب است، اما وقتی قرار می‌شود مثلا از اوضاع جشنواره انتقاد کنی یا به فیلمی‌گیر بدهی و آن را سبک سنگین کنی و وزنش را بسنجی کار قدری سخت می‌شود. کارگردان ممکن است تُرش کند. مسئول محترم جشنواره اخم کند و تنفس زیر یک سقف را قدری دشوار کند. - منظورم همان سقف کاخ است، خدا نکند قرار شود منتقد و روزنامه‌نگار جماعت با کارگردان و فیلم‌ساز جماعت بخواهند زیر یک سقف زندگی کنند؛ چون اولا امکان‌پذیر نیست، ثانیا اگر به فرض محال چنین چیزی اتفاق بیفتد از معجزات است. ثالثا در صورت معجزه، در انتهای کار یا کارگردان دیگر کارگردان نخواهد بود یا منتقد دیگر منتقد نخواهد بود. بگذریم، برگردیم نقطه سرخط -

با این اوصاف که برشمردم قرار است هر روز منتظر اتفاق‌های قدری غیرمنتظره باشیم. وقایع زیر سقف «تالار بزرگ سالن نمایش کاخ جشنواره»!- هرچند که بعید می‌دانم- با این حال یادداشت‌نویسی را از امروز آغاز می‌کنم تا شاید یکی، دو اتفاق غیرمنتظره را شاهد باشم. شاید اولین آنها از نو اختراع‌شدن چرخ جشنواره باشد که امسال رخ داده است. هرچند مسبوق به سابقه است. - منظورم تغییر در ساختار و چگونگی برگزاری آن است. سانس صبح که عادتی بود برای سحرخیزی همه جشنواره‌روها، حذف و جایش را به جلسات نقد وبررسی داده است. شاید هم با قدری هوشمندی قصد برگزارکنندگان حذف ناهار از برنامه‌ها بوده است. لابد این‌چنین توانسته‌اند کلی در هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند. در گذشته حتما فرصت نبوده آیین‌نامه‌ای برای چگونگی برگزاری جشنواره تدوین کنند. اینکه با هر دبیری که روی کار می‌آید کل یا بخشی از ساختار جشنواره دستخوش تغییر می‌شود، نشان‌دهنده سردرگمی برگزارکنندگان جشنواره است؛ چه در گذشته چه حال. خاطرم هست در زمان محمدمهدی عسگرپور در جوایز تغییراتی اعمال شد. در دوره جواد شمقدری در گزینش فیلم‌ها و چینش داوران، در دوره علیرضا رضاداد بخش بین‌الملل از جنب جشنواره حذف و به زمانی غیر از دهه فجر منتقل شد و حالا در دوره آقای حیدری لابد با تغییراتی از جنس دیگر روبه‌رو خواهیم شد. باید هر روز به کاخ رفت و دید. خبرهایی در راه است؛ خبرهایی که لزوما همه از جنس فیلم و جشنواره هم نیستند.

پیشنهاد روز

## اولین اپلیکیشن خبری- تحلیلی سینما رونمایی شد

● **شرق:** اپلیکیشن رسمی گوشی‌های همراه پایگاه خبری- تحلیلی سینماسینما هم‌زمان با آغاز سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد. اپلیکیشن رسمی گوشی‌های همراه سینماسینما ۱۲ بهمن ۱۳۹۴ همزمان با آغاز فعالیت سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر، رونمایی شد. این نرم‌افزار برای گوشی‌های اندروید طراحی شده و برای افرادی که به دنبال پیگیری اخبار سینما هستند، مناسب است.

یک پوستر، یک جشنواره

### نگاهی به پوستر «به دنیا آمدن»

## اما و اگرهای مبهم

احمدرضا دالوند

برای بررسی اهمیت پوستر در تبلیغ فیلم، یا انتشار سندی که علی‌القاعده باید تا سال‌ها پس از دیده‌شدن فیلم در اذهان باقی بماند، می‌بایستی محور بررسی خود را در ارزیابی پوسترهای سینمایی جشنواره فیلم فجر پیشاپیش ابلاغ کنم. تصویر و نوشته (کلام و نقش) دو عنصر اساسی اغلب پوسترها هستند و بنا بر اقتضای کار، گاه تصویر (اعم از عکس، طراحی و نقاشی یا پردازش فرم از طریق نرم‌افزارهای پیکسلی یا وکتور) و گاه نوشته (اعم از تایپ و پردازش تایپوگرافیک، خوشنویسی یا ساختار کالیگرافیک و انواع تکنیک‌های تولید نوشتار) و گاه تلفیقی از تصویر و نوشته، شخصیت اصلی را در طراحی پوستر بر عهده می‌گیرند. در واقع می‌خواهم بگویم کلمه و تصویر دو بال تشکیل‌دهنده در سازماندهی و طراحی یک پوستر محسوب می‌شوند. در پوستر «به دنیا آمدن»، ترکیب و امتزاج بخشی از حروف عنوان پوستر با «منطق دست‌نوشته» handlettering و سایر کلمات با «منطق حروفچینی» typesetting به چه دلیلی است؟ ... دلیلی که نمی‌توان استدلال روشن و بامعنایی برایش یافت. کلمات «به» و «آمدن» با منطق دست‌نویسانه و کلمه «دنیا» با منطق حروفچینی است. استفاده از چنین تمهیدی در طراحی گرافیک سابقه زیادی دارد و اصلا هم امر اسرارآمیزی نیست. در طراحی گرافیک، به‌طورکلی، حلاوت این شگرد وقتی آشکار می‌شود که بیننده با کمی مکث متوجه خلاقیتی شود که در نگارش کاراکتر حروف مستتر است. البته به طور خاص پیف در این پوستر نشانی از بیان معنا از طریق تایپوگرام و دست‌نوشته وجود ندارد. چنانچه از تصویر یک مرد و زن- درون کادر دایره - و تصویر یک ردپا- درون یک کادر مربع - بگذریم، که شاید طراح می‌خواسته از برداشت نمادین «مربع» به عنوان نمادی زمینی و مادی، ... و «دایره» به مثابه نمادی آسمانی بهره بگیرد (شاید هم اصلا چنین نیتی نداشته است)... بگذریم که باید پرسید: چرا باید در بررسی و نگاه به یک پوستر این همه شاید و اما مطرح شود؟ در این پوستر معضل لی‌آوت (چیدمان حروف) و رعایت‌نشدن نکات اولیه در چرایی اعمال: چپ‌چین و راست‌چین و وسط‌چین؛ مربوط به اسامی و اطلاعات کلامی پوستر «به دنیا آمدن» به تعداد اما و چرا و اگرهای مبهم می‌افزاید؛ و همین نکته‌هاست که قدرت انتقال برق‌آسای این رسانه صریح و مدرن را دچار گنگی و تفاسیر متعدد می‌کند که با ذات گرافیک به طور عام و پوستر به طور خاص منافات دارد.

### عوامل «نیمه‌شب اتفاق افتاد» را به استودیو راه ندادند

# عصبانیت از سیما در جشن سینما

**شرق:** کارگردان و بازیگران عصبانی بودند. آنها آمده بودند درباره فیلم، نقش‌هایی که بازی کرده‌اند و چگونگی ساخت فیلم «نیمه‌شب اتفاق افتاد» صحبت کنند اما ممانعت از حضورشان در استودیو تلویزیون، نشست مطبوعاتی دومین روز جشنواره فیلم فجر را تحت‌تاثیر سیما قرار داد. نشست مطبوعاتی فیلم «نیمه‌شب اتفاق افتاد» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی تینا پاکروان با حضور گوهر خیراندیش، رؤیا نونهالی، ستاره اسکندری و حامد بهداد، ظهر دیروز، سیزدهم بهمن در برج میلاد برگزار شد که سؤال خبرنگار «شرق» درمورد حضورنیافتن عوامل این برنامه در برنامه «نقد ۴» جلسه را حول این موضوع قرار داد. رؤیا نونهالی با بیان اینکه ترجیح می‌دهد کارگردان دراین‌باره صحبت کند، بحث را به پاکروان سپرد. پاکروان نیز با لحنی عصبانی گفت: «تلویزیون ناچار است دست دوستی به صنعت سینما دهد چراکه ورشکسته است و برای من جالب نیست که می‌بینم تلویزیون کشورم مورداستقبال مخاطب قرار نمی‌گیرد. به نظر من صداوسیما دچار سوءتفاهم شده و به‌ناچار از یکدیگر جدا شده‌ایم. همه ما می‌دانیم سینمای ایران بدون حمایت تلویزیون نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و تلویزیون هم بدون خرید فیلم‌های سینمایی نمی‌تواند رونق داشته باشد، بنابراین بهتر است به یکدیگر احترام بگذاریم و پشت به پشت هم فرهنگ سینمای ایران را بسازیم». او درباره صلاحیت عوامل فیلم خود عنوان کرد: «بازیگر فیلم من همان بازیگری است که نقش جهان‌آرا را در تلویزیون بازی کرده است و من نمی‌دانم چرا نباید این بازیگر در برنامه زنده تلویزیونی شرکت کند؟ چرا تیزرهای ما نباید از رسانه ملی پخش شوند؟ همه ما زیرمجموعه یک دولت واحد در سرزمینی به نام ایران زندگی می‌کنیم و برای این دولت پای صندوق‌های رأی رفته‌ایم. تلویزیون باید بپذیرد مردمی در این دولت نفس می‌کشند که به نظام و دولتمردان اعتقاد دارند. همه ما قرار است با هم و در کنار هم کار کنیم، بنابراین دولت از صداوسیما جدا نیست». البته حامد بهداد با لحنی عصبانی به میان صحبت‌های پاکروان آمد و گفت: «گله من این نیست که چرا عوامل فیلم به برنامه «نقد ۴» راه پیدا نکردند. ناراحتی من از این است که اگر تمام سریال‌های ترکیه‌ای را که درحال‌حاضر از شبکه‌های ماهواره‌ای پخش می‌شوند روی هم بگذارند، یک فیلم سینمایی ما از آب در نمی‌آید. سینمای ایران سینمای ارزشمندی است. فیلم‌هایی که با رویکرد اجتماعی ساخته می‌شوند، به هیچ عنوان قابل‌مقایسه با یک پلان از این دست از سریال‌های ترکیه‌ای نیستند. من گله دارم. چرا شرف هنر و هنرمندان سینما در تلویزیون نشان داده نمی‌شود؟» این بازیگر افزود: «نتیجه نادیده‌گرفتن جریان سینما باعث شده تلویزیون به وضع ورشکستگی بیفتد. من به‌شخصه به شجاع‌نوری و سینمایی که او کار می‌کند، احترام می‌گذارم اما می‌گویم سینما و تلویزیون باید با یکدیگر دوست باشند و دست در دست یکدیگر پیش روند».گوهر خیراندیش دیگر بازیگر حاضر در این نشست نیز همچون پاکروان و بهداد به گله از اقدام سیما پرداخت: «اگر مسئولان تلویزیون به اهالی هنر اعتماد نکنند، کلاهشان پس معرکه است. آن‌قدر شبکه‌های ماهواره‌ای تیزر فیلم‌ها را مجانی تبلیغ می‌کنند و برنامه‌های متنوع و حرفه‌ای در زمینه‌های مختلف مستند، سریال و تاریخی تولید می‌کنند و برای تولید برنامه بودجه می‌گذارند که تلویزیون نمی‌تواند با آنها رقابت کند».او درباره پوشش خود برای حضور در این برنامه گفت: «من با پوشش کلاه پهلوی در برنامه حاضر شدم اما از رفتن من جلوی دوربین ممانعت کردند که البته من خودم نیز اعلام کردم جلوی دوربین نمی‌روم و انصراف دادم. من نمی‌خواستم مشکلی برای آقای شجاع‌نوری و این برنامه پیش بیاید. باید به زیبایی‌شناسی بازیگر احترام و این نگاه‌ها و چنددستگی‌ها را کنار گذاشت. ارشاد باید چانه‌زنی کند. تا زمانی که این اعتماد به وجود نیاید، تا ثریا این دیوار کج می‌رود. من پیشنهادهای زیادی در خارج از کشور دارم اما می‌خواهم در کشور خودم کار کنم. من حتی پیشنهاد بازی در نقش نانوا را از یک کشور باوجود علاقه‌ام به نقش به دلیل احترام به کشورم رد کردم».

عکس: ایسنا

ساعت شنی

## روز دوم: ماجراهای حامد بهداد

**شرق: ستون «ساعت شنی» قضاوت نمی‌کند؛ کارش تاباندن نور است به گوشه‌ها. این ستون روزانه، جشنواره فیلم فجر را وقایع‌نگاری می‌کند.**

**۰۰:۰۷:** «حامد بهداد را به تلویزیون راه ندادند». خبرنگار ایسنا این خبر را وقتی مخابره کرد که عوامل فیلم «نیمه شب اتفاق افتاد» را به برنامه زنده شبکه چهار راه نداده بودند. محمد، کامنت گذاشت: «جلوی ملت تا کی می‌خواهید لج بازی کنید؟ بس است».

**۵.۲۰:** «برکناری سردبیر، اعضای تحریریه و فنی روزنامه صبا». این پیام کوتاه را م. ت، خبرنگار سینمایی فرستاد.

**۹.۴۵:** راننده تاکسی حوالی سینما آزادی: «جشنواره هم که شروع شده. بلیت تو دست و پاتون ندارید؟»

**۱۲.۳۰:** بهداد در نشست پرسش و پاسخ فیلم «نیمه شب اتفاق افتاد»: «تلویزیون ما یک رسانه ورشکسته است و هیچ‌کس آن را نمی‌بیند».

**۱۲.۳۸:** تینا پاکروان: حامد بهداد همان کسی است که نقش شهید جهان آرا را در تلویزیون بازی کرده.

**۱۲.۴۶:** حدیث نفس یکی از افراد داخل سالن که در حال گوش‌سپردن به حرف‌های عوامل فیلم بود: «خدایی‌اش حامد بهداد در فیلم کیمیایی خوب بازی کرد».

**۱۴.۴۰:** ف. ج منتقد سینما، زمان تماشای «یک شهروند معمولی»، به این فکر می‌کرد که کاش امروز به جشنواره نمی‌آمد.

**۱۵.۴۹:** «یک تماشاچی حاضر در برج میلاد، صحبت‌های چند روز گذشته بتول هاشمی، دبیر سابق شورای فرهنگی اجتماعی زنان را در ذهن مرور می‌کرد که گفته بود: «جشنواره فجر امسال را باید سینمای «دودی» نامید؛ چون بیشتر زنان در فیلم‌ها سیگار می‌کشند».

**۱۵.۵۵:** کارگردان یک فیلم خطاب به منتقد همیشه عاصی: «ببخشید آقا، شما فندک دارید؟»

**۱۶.۰۰:** الف. ق، منتقد متفاوت، دم ورودی سالن همایش‌های برج میلاد ایستاده و مردد بود به تماشای فیلم «یک شهروند کاملا معمولی» برود یا نه؟

**۱۶.۱۵:** چند نفر بیرون سالن ایستاده بودند و حرف‌های بتول هاشمی را نقد می‌کردند.

**۲.۱۶:** منتقد متفاوت هنوز متقاعد نشده بود برود داخل یا نه؟

**۴.۱۶:** حدیث نفس یک بازیگر در کاخ جشنواره: «ای خدا، یعنی میشه این سیمرغ روی شونه من بشینه؟»

**۱۷.۰۰:** حدیث نفس یک منتقد: «یعنی من مهم‌ام؟

**۱۸.۰۰:** شروع نمایش فیلم «جشن تولد». وقایع‌نگاری به پایان رسید؛ چون از زمان صفحه‌بندی تا همین لحظه هم خیلی گذشته... .

بر بال سیمرغ

## تلخ، آلوده، سرخوش

**کیوان کثیریان:** ۱. عمری به برخی همکاران ایراد گرفتیم که «عملیات‌ها» و «مراسم‌ها» و «انتخابات‌ها» غلط است و حالا در مطلب دیروزم در همین روزنامه، ویراستاران محترم، سرخود یک «ها» به «مراسم» من اضافه کردند. من از چنین«ها»یی به شدت اعلام برائت می‌کنم.

۲. فیلم‌دیدن در سینمایی جز برج میلاد عجب اتفاق خوبی است، عجب آرامش و نظمی! چقدر زمان بی‌منت و ساده می‌گذرد. کاش این همه سال چنین فضایی را تجربه کرده بودم تا از اصل جشنواره بیشتر لذت می‌بردم. اصل جشنواره همان فیلم‌دیدن است. این همه حواشی غیرلازم در برج میلاد فقط آدم را فرسوده می‌کند و از فیلم‌دیدن بی‌دغدغه بازمی‌دارد. جز محروم‌شدن از دیدار همکاران و دوستان ملالی نیست که البته با برنامه فشرده برج میلاد بعید است جز یک سلام و علیک به چیز دیگری بشود رسید.

۳. «لاک قرمز» از حیث ساختار، فیلم بدی نیست، اما این همه افراط در نمایش مصیبت و آزاردادن مخاطب را نمی‌فهمم. قرار است چه کنیم؟ دل و روده مخاطب را توی حلقش بیاوریم؟ از زمین و آسمان برای یک نوجوان ۱۵ساله بلا نازل می‌کنیم که تهش مخاطب مفهوم شرافت را شیرفهم شود؟ این همه روح و روان تماشاگر را می‌خراشیم که تهش به تلاش و درستکاری قهرمان داستان ایمان بیاورد؟ آیا تاثیر آن همه تلخی با یک سکانس نهایی از بین می‌رود. به گمانم نه! **۲ ستاره از ۵**

۴. «وارونگی» بهنام بهزادی نسبت به دیگر آثار او فیلم برجسته‌تری نیست. اصلا فیلم معمولی‌تری است. فیلم قرار است به بهانه آلودگی هوای تهران، تحول شخصیت قهرمانش را به نمایش بگذارد، اما قدمی فراتر از همین نکته، پیش نمی‌گذارد. قهرمان قصه به استقلال رأی و به تصمیم می‌رسد. فیلم جز سکانس پایانی، لحظه تکان‌دهنده‌ای ندارد، اما دولتشاهی فیلم به فیلم دارد بهتر می‌شود. **۲.۵ ستاره از ۵**

۵. «زاپاس»، یک فیلم سرخوش و سرحال است که در میان تولیدات عبوس سینمای ایران اتفاق خوبی است. نیک‌نژاد توانسته از ظرفیت‌های کمیک مهرانفر، مقدمی، رامین‌فر و جعفری در قالب روایتی که برگزیده، خوب استفاده کند و لحظات مفرحی بسازد. بازی پسربچه فیلم، نصیری که پیش‌تر در «یحیی سکوت نکرد» درخشیده بود، همچنان عالی است. **۳ ستاره از ۵**

**توضیح شرق: واژه‌هایی مانند عملیات، مراسم و... که به صورت عملیات‌ها، مراسم‌ها و... می‌آید لزوما غلط نیست؛ چراکه این واژه‌ها در زبان فارسی به صورت مفرد پذیرفته شده‌اند. در ضمن، استاد فقید ابوالحسن نجفی نیز در کتاب «غلط ننویسیم» (ص ۲۷۴) کاربرد واژه‌هایی مانند عملیات‌ها، لشکرها و... را غلط ندانسته‌اند.**

زیر آسمان فیروزه‌ای

## پرندگان باغشاه در گالری پروژه‌های آران

● **شرق:** نماشگاهی از آثار «پرندگان باغشاه» اثر صالح تسبیحی از ۹ تا ۳۰ بهمن ماه در گالری «پروژه‌های آران» برگزار می‌شود.این نمایشگاه به مضمونی تاریخی در عصر مشروطه پرداخته و در آن نگاهی نمادین به کار گرفته شده است. در این مجموعه ۱۲ اثر هنری با تکنیک چوب، تاکسیدرمی و عکس ارائه شده است. تسبیحی در بیانیه نمایشگاه آورده است: «ماجرای مشروطه انبانِ نشانه‌هاست. انگار در این تکه از تاریخ هر کس وظیفه تعریف شده خود را تا انتها به سرانجام رسانده. روزنامه‌نگار در خوشخوانی و سخنور در هیبت‌دادن به کلمات، شاه در استبداد و حتی مکان‌ها در پذیرفتنِ انسان‌ها دقیق؛ همان کارکردی را داشته‌اند که از نام و نشانشان انتظار می‌رود».نمایشگاه پرندگان باغشاه تا ۳۰ بهمن در گالری پروژه‌های آران در خیابان نوفل‌لوشاتو، کوچه لولاگر ادامه دارد.

## «نامه آزاد» منتشر شد

● **شرق:** نامه آزاد، نشریه‌ای تخصصی- هنری است که نخستین شماره آن در پاییز ۹۴ به کوشش گالری طراحان آزاد، در اختیار علاقه‌مندان رویدادهای هنری در این گالری قرار گرفته است. در معرفی نامه آزاد آمده است که فقدان نقد مستقل، گسترش سلطه سرمایه بر نهادهای دولتی و خصوصی فرهنگی و درجریان‌گذاشتن بهتر و بیشتر جامعه هنری ایران از فعالیت‌های هنرمندان ایرانی در خارج از مرزها، از جمله دلایل پیش‌قدمی گالری طراحان آزاد در تولید این نشریه مستقل است. در این نشریه با دو گونه نوشتار روبه‌رو هستیم. نخست متن‌هایی است که به معرفی نمایشگاه‌های برگزارشده توسط هنرمندان ایرانی در گالری‌های مختلف اروپا و آمریکا پرداخته است و دیگری نقدهایی که بر این آثار نوشته شده و گفت‌وگویی که با صاحبان آثار انجام شده است. در نامه آزاد این مطالب را می‌خوانید: صبا معصومیان برنده دوسالانه ششم جیوانی مونترا، غزال رادپی در گنجینه هنر معاصر مرکز ژرژ پمپیدو پاریس، نوید عظیمی‌سجادی در نمایشگاه هیبریداسیون، نمایش آثار منیر شاهرودی‌فرمانفرمایان در موزه گوگنهایم نیویورک، آثار پرستو فروهر در نمایشگاه کارین زاش، قدم‌های اولیه صادق تیرافکن در گالری ای-اکس برلین، لانگ پلیر قطعه موسیقی برای هزاره سوم، اثر لیلا میرزاخانی در موزه مام شهر رم، مصاحبه تصویری با معصومه مظفری، لیلی درخشانی در نمایشگاه فام‌های آبی گالری پروآرت دوبی، پروژه پوسترهای گالری طراحان آزاد در نمایشگاه ایران تاریخ ناویراسته موزه ماکسی شهر رم و یادآوری آینده که عنوان نمایشگاه گروهی از هنر معاصر ایران با همکاری گالری طراحان آزاد برگزار شده در مرکز سواس شهر لندن از جمله این آثار است.

## اجرای نمایش کمدی تلخ «سوختن» در کاشان

● **شرق:** گروه تئاتر میم این‌روزها نمایش کمدی تلخ «سوختن» را روی صحنه برده است. نویسندگی و کارگردانی این کار را محسن ابوالفتحی برعهده دارد. «سوختن»، روایتگر خانواده‌ای است سنتی که پدر مغرور و عصبانی‌حال آن، بنیان خانواده خود را به‌خاطر کینه و دشمنی با یکی از همسایه‌ها، از هم می‌پاشد و به‌نوعی در آتش خشم خود می‌سوزاند. در این نمایش کنش‌ها و مفاهیم اجتماعی به‌خوبی با زبانی نو و ساختاری تازه ارائه شده است. گروه تئاتر میم، پیش از این نمایش‌هایی از جمله «تربت» در جشنواره استانی اصفهان و همچنین «گزارش یک تصادف، ساعت پنج، چهارراه اندیشه» در جشنواره مهر کاشان را به کارگردانی مهدی سه‌دهی روی صحنه برده است. اجرای این نمایش از هفتم بهمن شروع شده و تا ۱۶ بهمن در فرهنگسرای مهر کاشان ادامه خواهد داشت. علاقه‌مندان می‌توانند هرشب ساعت ۱۹ از این نمایش دیدن کنند.

ادامه از صفحه ۱۲

## حق با تماشاگر ایرانی بود

جهان «هملت اوسترامایر»، جهانی «کالایی» غرق در مصرف و ریخت‌وپاش است، انبوهی از نوشابه‌ها و خوراکی‌ها و آدم‌های حریصی که مدام می‌خورند و می‌نوشند، جهان قهرآمیز فاسد و تباهی که هیچ قهرمانی ندارد؛ نه هملت باذکاوت اما فربه و حراف و بی‌عمل و نه حتی هوراشیو که شخصیت شاهد و ناظر عادل شکسپیری است که اینجا به پخمه‌ای شکمباره مبدل شده است.بی‌گمان اجرای «هملت» در تهران موقعیت مغتنمی برای تئاتر ایران است، به‌شرطی‌که به روزهای جشنواره بسنده نشود و در این روزگار «پسابرجام» که قرار است سیل کالا و خودرو و هواپیما از راه برسد، برای بسط چنین تبادلات فرهنگی هم زمینه استمرار فراهم کرد؛ زیرا تبادل فرهنگی و هنری دیونی در پی ندارد، هم آموزه‌های فراوان برای فعالان نمایش دارد و هم خوراک فرهنگی درخوری برای تماشاگران مشتاق تئاتر ایران خواهد داشت.

***نمایش‌نامه‌نویس، طراح صحنه و کارگردان تئاتر**

جدول ارزش‌گذاری فیلم‌های جشنواره فیلم فجر- روز اول

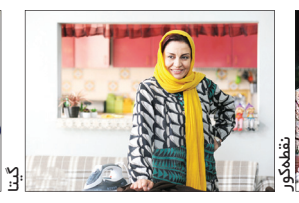

**شرق:** در این صفحه فیلم‌های جشنواره را هرروز ارزش‌گذاری می‌کنیم. جدول ارزش‌گذاری روزانه، به معنای انتخاب «بهترین» یا «بدترین» فیلم نیست. آرا به صورت روزانه و پس از گذشت زمانی کوتاه از نمایش فیلم از ارزش‌گذاران گرفته می شود.

عالی، خیلی‌خوب، خوب، متوسط، بی‌ارزش، دیده‌نشده

– = دیده‌نشده / ● = بی‌ارزش / ✽ = بد/ ✽✽ = متوسط

✽✽=خوب / ✽✽✽ = خیلی‌خوب/ ✽✽✽✽= عالی

| نام منتقد | نیمه شب اتفاق افتاد | گیتا | برداشت دوم از قضیه اول | اهالی خیابان یک‌طرفه | نقطه‌کور |
|---|---|---|---|---|---|
| محسن آزرم | متوسط | – | – | – | متوسط |
| سحر عصرآزاد | ✽ | ✽ | – | – | ✽ |
| حسین عیدی‌زاده | – | ● | ● | – | ✽ |
| آنتونیا شرکا | ✽✽✽ | – | – | – | ✽ |
| فرانک آرتا | متوسط | متوسط | – | – | متوسط |
| مازیار فکری‌ارشاد | ● | – | ● | – | ✽ |

هنروتجربه
Art & Experience Cinema
www.aecinema.ir
aecinema.ir

برنامه سینماهای پردیس‌سینمایی‌فرهنگ. پردیس‌سینمایی‌کورش
پردیس سینمایی چارسو. خانه هنرمندان
پردیس سینمایی آزادی. موزه سینما